



پرستار ابتدا دست هایش را خیلی خوب می
شوید. قبل از اینکه به کسی کمک کند باید دست هایش
کاملاً تمیز باشد.

بعد او چرخ دستی را آماده می کند.
یعنی، ظرف داروها را باید درست کند.
هر بیمار ظرف خودش را دارد که رویش شمارهٔ اتاقش نوشته شده است.
دکتر به پرستار گفته است که کدام دارو را به کدام بیمار بدهد.
او می تواند در کامپیوترش هم همهٔ این ها را ببیند.
معلوم است که همهٔ بیمارها یک جور دارو دریافت نمی کنند!
در طبقهٔ پایین چرخ دستی هم چیزهای
دیگری قرار دارد. خب حالا می تواند راه بیفتد.





پرستار خیلی زود پیش پسری می آید که دیشب بستری شده است.
او با مهربانی می پرسد:

"صبح به خیر، من برای مراقبت از تو آمده ام. حالا حالت چگونه؟"
پسر جواب می دهد:

"من حالم خیلی بهتر شده، دلم می خواهد هر چه زودتر به خانه برگردم."
پرستار می گوید: "الان دکتر می آید، او با تو صحبت خواهد کرد."
"بعد او دمای بدن پسر را اندازه می گیرد.

بعد بازوبند دستگاه فشار خون را دور بازوی پسر می بندد و پمپش را فشار می دهد.
حالا بازوبند دور بازوی پسر سفت شده است.

پرستار پمپ را رها می کند و بازوبند دوباره شل می شود.
"خب، فشار خونت خوب است، تبت هم قطع شده."

